روزنامه صبح ایران
ابتکار
یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴
سال بیستم
شماره ۵۷۲۷
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

نخستین سیگنال‌های ماهواره «چمران ۱» دریافت شد

جلوه همکاری «دولت» و «سپاه»؛ خلق یک افتخار

صفحه ۲

دالان تورانی ناتو منافع ژئوپلیتیکی ایران را به خطر می‌اندازد

بلند پروازی آنکارا و باکو در قفقاز

آذربایجان مدعی است که ادعای سرزمینی در مسیر زنگزور نخواهد داشت. این ادعا البته با توجه به سوابق تاریخی و سیاسی در قفقاز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با این‌حال باکو سعی دارد مساله را تنها موضوعی اقتصادی عنوان کند که به سود بیشتر برای جمهوری آذربایجان مرتبط است.

کریدور جعلی زنگزور تبدیل به عامل اختلاف میان روسیه و ایران شده است. در تهران مقامات وزارت خارجه می‌گویند با تغییر مرزها در کشور همسایه مخالفند. ارمنستان خود را مدیون موضع گیری ایران می‌داند. با این‌حال روس‌ها به‌عنوان متحدان ایران، از دفاع از باکو برای افتتاح دالان موهوم زنگزور پا پس نمی‌کشند و مایلند هرچه سریع‌تر روابط خود را با باکو و آنکارا با آنچه رفع انسداد دالان زنگزور می‌خوانند، بیش از همیشه بهبود ببخشند. اما دالان زنگزور چیست و چرا برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؟

خبر آنلاین در این گزارش می نویسد:

۱- دالان موهوم زنگزور قرار است در همسایگی ایران تاسیس شود. ایجاد چنین دالانی می‌تواند مرز دائمی ایران و ارمنستان را از بین ببرد و منافع اقتصادی و سیاسی ایران را دستخوش تغییراتی کند که به تعبیر تهران، مثبت نخواهند بود.

شرح درصفحه ۱۱

عارف در اجلاس روسای دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری کشور مطرح کرد

آمادگی برای تبدیل زندان اوین به دانشگاه

صفحه ۲

سرمقاله

ژوبین صفاری

در جستجوی اعتبار رسانه ها!

سال گذشته در یکی از کلاس های درس مقطع دکتری علوم ارتباطات منتظر یکی از اساتید خوشنام نشسته بودیم که با چهره غمگین وارد کلاس شد و گفت:« مادر یکی از دانشجوهای مقطع کارشناسی آمده و می‌گوید لطفا دختر مرا از تحصیل در این رشته منصرف کنید چرا که خبرنگاری نه پول درست حسابی دارد و نه آینده‌ای که بتوان به آن اعتماد کرد. ضمن اینکه خطرات آن هم زیاد است. »

این افسوس این استاد قدیمی، البته محصول سال ها به محاق رفتن رسانه به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه در کشور است. هرچند طی چند دهه گذشته در مقاطعی رسانه ها از اعتبار کافی برخوردار بودند اما همان رسانه‌ها هم به سبب مدیریت های گاها غلط نتوانستند به روند موثر خود ادامه دهند. اما در این بین نوک پیکان مستقیما به سمت سیاستگذارانی است که رسانه مستقل و اثرگذار را اساسا مفید برای حکمرانی نمی دانستند. واقعیت این است بازیابی مرجعیت رسانه‌های رسمی در عصر دیجیتال، هرچند چالش‌برانگیز است، اما با توجه به نقش بی‌بدیل آن‌ها در توسعه و پیشرفت جوامع، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که باید به آن توجه شود.

لازم به ذکر است که سال هاست اهالی رسانه هم وضعیت درآمدی مناسب ندارند و هم زیرساخت لازم برای فعالیت در بستری امن برای کمک به توسعه شفافیت و اطلاع رسانی همه جانبه برایشان وجود ندارد. سیاستگذاری‌های صحیح در این بین می‌توانند به تقویت نقش رسانه‌ها در حفظ شفافیت، اعتماد و دموکراسی کمک کرده و بر اعتبار آن‌ها بیفزایند.

ادامه درصفحه ۲

محمد جواد ظریف:

به‌صورت غیررسمی به وزارت خارجه کمک می‌کنم

صفحه ۲

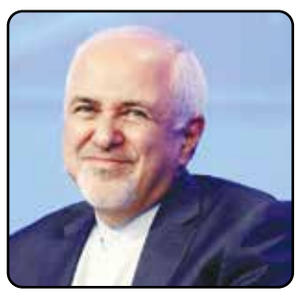

چرا ظرفیت هتل‌های ۵ ستاره در تعطیلات اخیر پُر بود؟

دوقطبی فقر و غنا

صفحه ۳

مقصر مرگ هوادار ملوان چه کسی است؟

مسئولان پرتعداد و بی‌مسئولیت!

صفحه ۵

پیام سفر همزمان پزشکیان به اربیل و سلیمانیه

نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران می‌گوید: برای اولین بار مسئولین خارجی قبل از اینکه به عراق بروند، به اربیل به عنوان پایتخت اقلیم کردستان رفتند و علاوه بر این به سلیمانیه هم رفتند چراکه سلیمانیه در چارچوب اداره اقلیم کردستان ویژگی خاصی دارد و این ویژگی مشخص شد که ایران برای تقویت روابط خودش با اقلیم کردستان در نظر دارد.

به گزارش خبرآنلاین، سفر پزشکیان، رئیس جمهوری کشورمان به دو منطقه سبز و زرد اقلیم کردستان که اولین سفر رئیس جمهوری ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده است از نگاه ناظم دباغ، نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران پیام مهمی داشت.

او در گفتگو با خبرگزاری خبرآنلاین می گوید؛ «در حال حاضر مشکلاتی میان قسمت زرد و سبز در اقلیم کردستان وجود دارد اما پزشکیان نشان داد که برای او تفاوتی آنچنانی ندارد و همین سیاست و توجهی که به اربیل به عنوان پایتخت حکومت اقلیم کردستان در قسمت زرد داشته، به سلیمانیه به عنوان قسمت سبز نیز نشان داد»

از نظر نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران تلاش برای برقراری امنیت و آسایش در منطقه، مهمترین هدف پزشکیان برای سفر به اقلیم کردستان است و کُرد بودن رئیس جمهور را یک امتیاز ویژه برای ایجاد حس همراهی و محبت بین کردهای سلیمانیه و اربیل با ایران می داند.

در ادامه گفتگوی خبرگزاری خبرآنلاین با ناظم دباغ، نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران را می‌خوانید:

● سفر اخیر آقای پزشکیان به اقلیم کردستان که اولین سفر رئیسی جمهوری ایران طی ۴۵ سال اخیر بوده را چطور ارزیابی می کنید؟ فکر می کنید این هوشمندی شخص رئیس جمهور و بخاطر رگه هایی از کُرد بودن او باشد یا سیاست های کلان نظام است؟

◄ به نظرم سفر پزشکیان به عنوان رئیس جمهور منتخب ایران که شروع کارش با این سفر بود، خود به خود اهمیت دارد یعنی هر رئیس جمهور جدیدی که روی کار بیاید مجدداً پیرو همین سیاست‌ها یعنی سیاست جمهوری اسلامی ایران برای تقویت روابط با عراق در سطح سیاسی، امنیتی و فرهنگی، به این کشور سفر می‌کند.

اما ویژگی مهم سفر پزشکیان به عراق این بود که برای اولین بار یک رئیس جمهور اسلامی ایران سفر به اقلیم کردستان را در دستور کار داشت و سپس به بصره، نجف و استان‌های دیگر رفت. البته در اقلیم کردستان ویژگی خاص دیگری بود مبنی بر اینکه برای اولین بار مسئولین خارجی قبل از اینکه به عراق بروند، به اربیل به عنوان پایتخت اقلیم کردستان رفتند و علاوه بر این به سلیمانیه هم رفتند چراکه سلیمانیه در چارچوب اداره اقلیم کردستان ویژگی خاصی دارد.

این سفر نشان داد که ایران برای تقویت روابط خودش با اقلیم کردستان اهمیت قائل است. به عبارتی هم سلیمانیه و هم اربیل همسو و همتای یکدیگر هستند، لذا نیاز به تقویت روابط با این دو استان است و سلیمانیه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد.

● در واقع به نوعی آقای پزشکیان در جریان سفر به اقلیم کردستان از کارت کُرد بودن خود برای ایجاد یک وحدت و همبستگی بهره گرفته است؟

◄ پزشکیان کرد است و کردی بلد است، او در مهاباد به دنیا آمده است. بنابراین می‌شود با افتخار پزشکیان را کرد حساب کنیم و کردی بلد است، قطعا احساسات و زندگی او بین کردها اثر می‌گذارد، به این معنی که تا چه اندازه کردها و غیرکردها را دوست دارد.

اخبار

تل‌آویو، افسر مسئول یورش‌ها به مسجدالاقصی را فرمانده پلیس قدس کرد

وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، افسر مسئول یورش شهرک‌نشینان تندرو به مسجدالاقصی را به عنوان فرمانده پلیس قدس اشغالی منصوب کرد.

به گزارش ایسنا، پلیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد «ایتامار بن گویر» وزیر امنیت داخلی این رژیم به توصیه «دنی لیوی» بازرس کل پلیس رژیم صهیونیستی، یک سری انتصابات جدید انجام داد و قرار است سرتیپ «عمیر ارزانی» به عنوان فرمانده پلیس قدس اشغالی منصوب شود و به درجه سرلشکری ارتقا یابد.

در این رابطه روزنامه هاآرتص نوشت ارزانی به عنوان سرپرست پلیس قدس اشغالی فعالیت می‌کرد، اما انتصاب وی اکنون دائمی شده است. این روزنامه این انتصاب را با توجه به نقش او در تغییر وضعیت موجود در مسجدالاقصی یک موضوع بسیار حساس دانست؛ تغییراتی که منجر به درگیری با نمازگزاران مسلمان و محکومیت بین‌المللی شد. هاآرتص نوشت از ماه میلادی گذشته، پلیس - به دستور ارزانی و بن گویر - به بازدیدکنندگان یهودی اجازه داد تا با صدای بلند دعا کنند، آواز بخوانند و درس تورات بدهند. در حالی که در گذشته، بازدیدکنندگانی که هر یک از موارد فوق را انجام می دادند دستگیر می‌شدند و از بازدید مجدد آنها جلوگیری می‌شد. هاآرتص نوشت از دیگر انتصابات صورت گرفته انتصاب سرتیپ «موشه بینشی» منشی امنیتی بن گویر به عنوان رئیس پلیس کرانه باختری به جای سرتیپ «عوزی لیوی» است که در همان روز بازنشستگی خود را اعلام کرد. هاآرتص نوشت انتصاب بینشی به این سمت جدید موجب می‌شود بن گویر کنترل کاملی بر پلیس در کرانه باختری داشته باشد. به نوبه خود، شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی امروز گزارش کرد «کورش برنور» بازپرس ارشد بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در پرونده اتهام فساد، به دنبال انتصاب‌های جدیدی که توسط بن گویر اعلام شد، از پلیس استعفا داد. این شبکه رژیم صهیونیستی گزارش کرد برنور «رئیس تیم تحقیقاتی در پرونده‌های شماره ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ بود که در آن دو نتانیاهو متهم به فساد است و در جریان تحقیقات با نتانیاهو، برنور واحد تحقیقات تقلب را رهبری می‌کرد.» شایان ذکر است که اولین جلسه محاکمه نتانیاهو در ۲۴ مه ۲۰۲۰ پس از کیفرخواست ارائه شده توسط «آویخای مندلبلیت» مشاور حقوقی سابق کابینه و در پی تحقیقات پلیس از نتانیاهو درخصوص اتهامات رشوه، کلاهبرداری و خیانت در امانت، برگزار شد و دادگاه هنوز در حال بررسی پرونده علیه نتانیاهو است.

رسانه عبری:

ورود سلاح به غزه از طریق تونل‌های فیلادلفیا صورت نمی‌گرفت

یک روزنامه صهیونیستی نوشت عملیات زمینی ارتش این رژیم در شهر رفح در جنوب نوار غزه پایان یافت و «قاچاق اسلحه از طریق تونل‌های محور فیلادلفیا صورت نمی‌گرفت».

به گزارش ایسنا، روزنامه یدیعوت آحارونوت نوشت قاچاق سلاح به غزه قبل از تونل‌های فیلادلفیا صورت می‌گرفت و عملیات زمینی در شهر رفح در جنوب نوار غزه در انتظار تصمیم بخش سیاسی برای عقب‌نشینی از طریق توافق آتش‌بس یا بدون این توافق پایان یافت.

«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مدعی است از طریق کریدور فیلادلفیا در مرز غزه با مصر، سلاح وارد این باریکه می‌شود و بر حضور نظامیان صهیونیست در این محور در هر توافق احتمالی اصرار می‌ورزد، اقدامی که با مخالفت حماس روبرو شده است.

روزنامه عبری در ادامه گزارش خود نوشت فرماندهان ارتش رژیم صهیونیستی پس از ماه‌ها عملیات در رفح متوجه شدند که «عملیات قاچاق سلاح و مواد اولیه گلوله در نوار غزه، سال‌ها روی زمین و نه از طریق تونل‌های فیلادلفیا انجام شده است. در واقع حماس بسیاری از تونل‌ها را برای بستن آن‌ها منفجر کرد و بعداً مشخص شد که توسط طرف مصری نیز مسدود شده است. این روزنامه صهیونیستی نوشت هدف تمام گزارش‌های خبرنگاران نظامی رژیم صهیونیستی از رفح می‌آیند، شرمساری نتانیاهو است.

یادداشت

خانه به دوش مثل پرسپولیس و استقلال

مسعود نصیری

این روزها که تنور مسابقات جام باشگاههای آسیا ولیگ برتر فوتبال مثل هر سال در حال گرم شدن است می‌بینیم که پرسپولیس و استقلال برای انجام بازی های خویش به دلیل اینکه فاقد ورزشگاه خصوصی هستند و ورزشگاه آزادی در دست تعمیر است برای میزبانی از تیم های لیگ برتر قزوین و اراک را انتخاب کرده اند و در چارچوب مسابقات جام باشگاه های آسیا ورزشگاه شهدای شهر قدس و تختی تهران را برای میزبانی از تیم های آسیایی برگزیدند؛ اما مشکل کجاست که تیم های فوتبال ما هنوز به باشگاه ورزشی که در تمام رده های سنی و در تمامی رشته های ورزشی تیم داشته باشند و ورزشگاه اختصاصی برای برگزاری مسابقات داشته باشند تبدیل نشده اند؟ شاید مشکل عمده دولتی بودن این دوتیم ورزشی است که منبعی خصوصی برای تامین هزینه های خویش ندارند و به طور مستقیم به منابع دولتی متصل هستند و متاسفانه هیچ درآمد زایی ندارند و فقط با تبلیغات روی پیراهن ورزشی می‌توانند گوشه ای از هزینه های گزاف خویش را جبران کنند؛ هرچند به تازگی استقلال تهران به هلدینگ خلیج فارس و پرسپولیس تهران به بانک واگذار شدند اما هلدینگ خلیج فارس و بانک هم نیز از طریق پرسپولیس واستقلال در صدد کسب درآمد ارزی و بازگشت مالی هستند؛ در قدم اول باید رسانه ملی و شبکه های تلویزیونی همچون تلویزیون خصوصی برای پخش فوتبال این دو تیم ورزشی پولی را در چارچوب حق پخش تلویزیونی به انها پرداخت کند و مردم نیز اشتراک تماشای مسابقات این دو تیم ورزشی را به همچون فضای مجازی اینستاگرام و یوتیوب وروبیکا به سازمان صداوسیما بپردازند؛ که اگر شما بخواهید فوتبال را از این پلتفرم ها تماشا کنید با انتخاب نوع کیفیت پخش هزینه اینترنتی پرداخت می کنید که اگر تلویزیون در قبال پخش مسابقه فوتبال پرسپولیس و استقلال همچون ترافیک اینترنتی هزینه اشتراک دریافت کند این هزینه را می تواند به این دو تیم ورزشی پرداخت کند؛ به این ترتیب شرکت هایی که اطراف زمین مسابقه تبلیغات محصول خویش را می‌کنند می‌توانند در قبال این تبلیغات محیطی اطراف زمین به پرسپولیس و استقلال که با برگزاری مسابقه فوتبال فراهم کننده بستر تبلیغات آنها بوده اند هزینه ای را پرداخت کنند؛ اما رسانه ملی این مسابقات را عمومی پخش می‌کند و تلویزیون درصدی از این پول تبلیغات را به این دو تیم فوتبال پرداخت نمی‌کند زیرا پخش مستقیم فوتبال این دو تیم ورزشی را حق خویش می داند که به عنوان رسانه ملی که خصوصی نیست و برای همه مردم عمومیست می‌تواند مسابقه این دو تیم دولتی که زیر نظر دولت هستند و از منابع دولتی ارتزاق می‌کنند را پخش کند چون هم این دو تیم دولتی هستند و هم شبکه های تلویزیونی دولتی می‌باشند؛ هرچند می‌توان دو شبکه ورزشی خصوصی راه اندازی کرد تا مردم برای تماشای مسابقات این دو تیم ورزشی به شبکه های مذکور سازمان صداوسیما مبلغی را جهت خرید اشتراک پرداخت کنند و تلویزیون نیز حق پخش بازی آنها را به پرسپولیس و استقلال بپردازد؛ به همین دلیل در ایام کرونا که ورود تماشاگر به ورزشگاه ها ممنوع بود این دو تیم فوتبال چون سهمی از تبلیغات محیطی اطراف زمین نداشتند خودشان با شرکت های تجاری مذاکره می‌کردند وتبلیغات انها را به جای تماشاگران با بنرهای بزرگ بر روی سکوها نصب می‌کردند تا برای خویش درآمدی کسب کنند؛ اما چون این دو تیم ورزشی فاقد ورزشگاه شخصی می‌باشند و در ورزشگاه آزادی که ورزشگاهی دولتی است مسابقات انها برگزار می‌شود حق بلیط فروشی ندارند و بلیط فروشی توسط مدیران ورزشگاه آزادی انجام می‌شود به همین دلیل بعضا شاهد بودیم افراد متمول که هوادار پرسپولیس و استقلال بودند به عنوان مثال به اندازه پنجاه هزار نفر بلیط از شرکتی توسعه و تجهیز که ورزشگاه آزادی را اجاره گرفته است خریداری می‌کردند و می‌گفتند ورود تماشاگران به این مسابقه شهرآورد رایگان است درواقع بلیط هایی که هوادر متمول خریده بود تا تماشاگران تیم محبوبش به ورزشگاه آزادی بیایند تا آن مسابقه ورزشی را ببینند به جیب شرکت توسعه و تجهیز می رفت و درآمد حاصل از فروش بلیط به جیب پرسپولیس و استقلال نمی‌رود چون ورزشگاه آزادی یک ورزشگاه دولتی است که به یک شرکت اجاره داده شده و حتی هزینه نگهداری ورزشگاه آزادی به عهده آن شرکت است و پرسپولیس و استقلال سهم مالکیتی از ورزشگاه آزادی ندارند جز اینکه یک روز ازهفته در این ورزشگاه بازی فوتبال خویش را برگزار کنند که حتی اگر تماشاگری از انها به ورزشگاه آزادی آسیب وارد کند یا اصطلاحا صندلی بشکند خسارت آن را باید تیم فوتبال استقلال یا پرسپولیس به شرکت توسعه و تجهیز پرداخت کنند؛ که اگر این دو تیم ورزشی ورزشگاه خصوصی و مجهزی داشتند می‌توانستند برای ورود دوربین های سازمان صداوسیما به ورزشگاه هایشان هزینه حق پخش تلویزیونی دریافت کنند تا تلویزیون هم درصدد راه اندازی شبکه خصوصی ورزشی بیافتد که از مردم برای تماشای مسابقه این دو تیم هزینه دریافت کند، همچنین اگر ورزشگاه پرسپولیس و استقلال تحت مالکیت خصوصی خودشان بود هر شرکتی که قصد داشت تبلیغات محیطی اطراف زمین چمن انجام بدهد باید هزینه ورود تابلوی تبلیغاتی خویش به ورزشگاه خصوصی پرسپولیس و استقلال را به انها پرداخت می کرد؛در این صورت این دوتیم ورزشی برای اینکه درآمد زایی بیشتری داشته باشند شائق می‌شدند که در تمام رده های سنی و در تمام رشته های ورزشی مثل کشتی، والیبال و بسکتبال، هندبال و دومیدانی، فوتسال و تمام رشته های انفرادی و گروهی و همچنین در تمام رده های سنی نونهالان و نوجوانان و جوانان و بانوان تیم ورزشی با بازدهی بالاتر که تزریق کننده ورزشکار به دو تیم اصلی باشد را داشته باشند که دیگر نیازی نباشد تیم اصلی آنها که در لیگ های برتر ورزشی و مسابقات بین المللی شرکت می‌کند بازیکن ورزشی خویش را از خارج یا سایر تیم ها بخرد بلکه یک آکادمی ورزشی فعال داشته باشد که بازیکن ورزشی را از رده نوجوانان به جوانان و بزرگسالان معرفی و ارائه می‌کند که آن موقع دیگر به تیم فوتبال پرسپولیس و استقلال میتوان باشگاه ورزشی استقلال و پرسپولیس بگوییم زیرا در تمام رشته های ورزشی و تمام رده های سنی و در رده بانوان تیم ورزشی و آکادمی ورزشی فعال دارند و فیفا نیز مجوز حرفه ای بودن آنها را به سهولت صادر می‌کند؛ در سالهای اخیر برای پرسپولیس و استقلال سهام تعریف شد اما سهام به صورت دستوری ارزشمند نمی شود بلکه سهام انها در بورس بستگی به گردش مالی روبه رشد شان با توجه به عناوینی که کسب می کنند باید داشته باشد در این صورت سهام آنها نیز به یک سهام ارزشمند و قابل دفاع تبدیل می شود که هواداران نیز می‌توانند سهام آنها را بخرند و اطمینان داشته باشند که سهام پرسپولیس و استقلال فقط اعتبار نامشان نیست بلکه یک سهم ارزشمند است که با هر برد و هر جامی که آنها در اسیا و لیگ برتر کسب می‌کنند ارزشمند تر می شود؛ همچنین فروش پیراهن ورزشی این دو تیم فوتبال و حق چاپ لوگوی آنها توسط تولید کنندگان پوشاک به این دو تیم فوتبال پرداخت نمی شود و فروشگاه‌هایی که پیراهن این دو تیم ورزشی را از تولید کنندگان پوشاک خریداری کرده اند پول پارچه لباس ها را پرداخت می‌کنند نه پول اعتبار لوگویی که روی این پیراهن ها دوخته شده است.